

تعریف مدرن فرقه ، کنترل ذهن و تکنیک های عضویت دگیری فریب دهنده ، است . به عبارت دیگر ، فرقه ها به مردم حقه می زنند تا آنها را جذب کنند و فریب دهند تا در فرقه بمانند . این تعریفی است که اغلب مردم با آن موافقت ، البته غیر از خود فرقه ها(ویژه نامه ناتوی فرهنگی ۲ بسیج دانشجویی) .

شیطان پرستی یکی از این فرقه هاست که برخی به آن پیشینه هزاران ساله می دهند و دلیل آن را نیز پرستش هر موجود دارای قدرت توسط مردمان هزاران سال پیش و یا در نظر گرفتن دو خدای ضد هم یعنی خدای خیر و شر می دانند . شیطان پرستی دنیایی را ترسیم می کند که هیچ روزنه امیدی برای آن متصور نیست . به همین جهت شیطان پرستی را جهان تاریک می گویند . شیطان پرستی حقیقتی را جستجو می کند که در این جهان یافت نمی شود . شیطان پرستی به معنی پرستش شیطان به عنوان قدرتی فوق العاده و بسیار قوی تر و موثرتر از نیروهای خوب دنیوی همچون خداست . در شیطان پرستی شیطان به عنوان نماد قدرت و حاکمیت بر روی زمین ، قدرتی به عنوان برترین قدرت دو جهان مورد توجه و پرستش قرار دارد و این دنیایی را که به عنوان دوح برشمرده می شود قانونمند می کند . در شیطان پرستی غیر از استفاده از شیطان به عنوان قدرت تاریکی و قدرت مطلق از نیروها و اجنه و روح های پلید و شیطانی نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده می شود و در نهایت معنای شیطان پرستی ، پرستش قدرت پلیدی است(گزیده ای ازویکی پدیا) .

شیطان پرستی یک حرکت مکتبی ، شبه مکتبی و یا فلسفی است که هواداران آن ، شیطان را یک طرح و الگوی اصلی و قبل از عالم هستی میپندارند . آنها شیطان را موجودی زنده و با چند وجه از طبیعت انسان مشترک می دانند . مفهوم شیطان در طول قرنها مورد مکاشفه قرار گرفته است . شاید بتوان تاریخچه شیطان پرستی را به قرون اولیه پیدایش آدمی نسبت داد(گزیده ای ازویکی پدیا) .

شیطان پرستی را در گروه راه چپ و راه راست طبقه بندی می کنند . دست چپی ها به غنی سازی روحی خود در جریان کارهای خودشان معتقدند ، و بر این باورند که در نهایت باید تنها به خود جواب پس دهند. در حالی که دست راستی ها غنی سازی روحی خود را از طریق وقف کردن و بندگی خود در مقابل قدرتی بزرگتر بدست می آورند (گزیده ای ازویکی پدیا) .

شیطان پرستی به جای اطاعت از قوانین خدایی یا قوانین طبیعی و اخلاقی، عموماً بر پیشرفت

فیزیکی خود با راهنمایی‌های موجودی مافوق یا قوانینی فرستاده شده تمرکز دارد. بعضی شیطان پرستان به طور داوطلبانه بعضی از قوانین اخلاقی را انتخاب می‌کنند. بر این مبنا شیطان پرستان به دو گروه اصلی شیطان پرستان فلسفی و شیطان پرستان دینی تقسیم بندی می‌شوند (گزیده ای ازویکی پدیا) .

شیطان پرستی فلسفی : پایه گذاری این فرقه از شیطان پرستی به آنتون لاوی نسبت داده می‌شود . او کسی بود که کلیسای شیطان را تأسیس کرد. در نظر شیطان پرستان فلسفی ، محور و مرکزیت عالم هستی، خود انسان است ، و بزرگترین آرزو و شرط رستگاری این نوع از شیطان پرستان برتری و ترفیع ایشان نسبت به دیگران است. شیطان پرستان فلسفی عموماً خدایی برای پرستش قائل نمی‌دانند و به زندگی غیر مادی بعد از مرگ نیز عقیده‌ای ندارند(گزیده ای ازویکی پدیا) .

شیطان پرستی دینی : این نوع شیطان پرستی شبیه شیطان پرستی آنتون لاوی است اما با این تفاوت که در این نوع ، شیطان جنبه خدایی و متافیزیکی دارد و این جنبه برداشته شده از ادیان ابراهیمی ، افسانه‌ها ، آیین‌های متفاوت و یا صرفاً ساخته شده ذهن پیروان آن می‌باشد(گزیده ای ازویکی پدیا) .

فلسفه شیطانی لاوی : شیطان می‌گوید دست و دلبازی کردن بجای خساست . شیطان می‌گوید زندگی حیاتی بجای نقشه خیالی و موهومی روحانی. شیطان می‌گوید دانش معصوم بجای فریب دادن ریاکارانه خود . شیطان می‌گوید محبت کردن به کسانی که لیاقت آن را دارند بجای عشق ورزیدن به نمک نشناسان . شیطان می‌گوید انتقام و خونخواهی کردن بجای برگرداندن صورت . شیطان می‌گوید مسئولیت پذیری در مقابل مسئولیت پذیران بجای نگران بودن خون آشام‌های غیر مادی . شیطان می‌گوید انسان مانند دیگر حیوانات است ، گاهی بهتر ولی اغلب بدتر . شیطان تمام آن چیزهایی که گناه شناخته می‌شوند را ارائه می‌دهد ، چون که تمام آنها به یک لذت و خوشنودی فیزیکی، روانی یا احساسی منجر می‌شوند . شیطان بهترین دوست کلیساست چرا که در میان تمام این سالها وجود شیطان دلیل ماندگاری کلیساها است(گزیده ای ازویکی پدیا) .